



نویسنده: قاری عتيق الله ساكت  
10.09.08

## خون در برابر خون آقای کرزی شما به حکم قانون بازداشت استید!

بمباردمان وحشیانه هوایی نیروهای آمریکایی که اخیراً در شیندند، جلال آباد و سایر ولایات کشور ما پی در پی فاجعه آفرید و مردم ما را به خاک و خون نشانید، طبق اظهارات و عقاید اکثر فعالان سیاسی و نمایندگان مردم اساساً بر مبنای موافقتنامه دوجانبه فی مابین آقای کرزی رییس جمهور افغانستان و جورج بوش رییس جمهور فعلی آمریکا صورت گرفته که این قرارداد دوطرفه تحت نام ستراتیژی مشترک دو دولت برضد هراس افگنی در افغانستان منعقد شده است. بناً آقای کرزی معاهده ننگین مذکور را دانسته و یا هم نادانسته باوصف موجودیت ماده ها و شرط های غیر عادلانه و خلاف همه موازین بین المللی با تفویض امتیازها و صلاحیتهای بی حد و مرز زیرنام آزادی عمل آنهم در یک کشور مستقل چون افغانستان دارای همه اصول پایه های دولتمداری به نفع ایشان امضا کرده است که یکی از ماده های عقل ستیز آن چنین است: "آمریکاییان در روند مبارزات شان بر علیه تروریسم در افغانستان آزادی عمل دارند و ملزم نیستند که در پیشبرد برنامه های شان از دولت افغانستان اجازه بخواهند".

بناً صورت مسأله از نگاه فقه و قوانین همه ممالک جهان چنین است که ذیلاً به آن پرداخته میشود:

جناب رییس جمهور با امضای خود سرانه شان در پای این معاهده ننگین باوصف موجودیت یک نهاد قانونگذار متشکل از نمایندگان مردم افغانستان در همه جرایم نیروهای آمریکا که درین خطه مرتکب میشوند، دخیل است. زیرا ایشان برخلاف همه قوانین بین المللی، موازین اخلاقی و انسانی برای آمریکاییان مستنداً اجازت داده و طی یک قرار داد رسمی به ایشان این حق را داده است که آنها در مرگ و میر و حیات انسانهای این سرزمین تا بی انتها اختیار عام و تام داشته باشند، که دلشان هر چه خواست انجام بدهند. حالانکه اینگونه آزادی بی قید و شرط در حالات مستعمره بودن چی که حتی برده بودن انسانها هم جواز ندارد.

جناب رییس جمهور با امضای اینگونه موافقت نامه هزاران بار بدتر از معاهده ننگین گندمک، شریک در همه کشتار های دسته جمعی مردم ملکی افغانستان بشمار میروند که در علم حقوق و فقه اسلامی شرکای این نوع جرایم قتل را بدو دسته تقسیم میکنند.

الف: قاتل مباشر یعنی کسیکه فعل قتل را مستقیماً انجام میدهد.

ب: قاتل متسبب شخصی که سبب و موجبات قتل یک انسان را زمینه سازی نموده با قاتل همکاری مینماید ولو اینکه این همکاری حتی با ادای یک کلمه، کنایه و یا اشاره باشد بالاتر از ان مثل تهیه وسایل، مشورت دادن به قاتل، موافقت با طرح و نقشه قاتل و غیره. ولی گاهی اتفاق می افتد که در وقوع جرایم حالت تسبب با مباشرت هر دو یکسان مساوی قرار میگیرند. حتی در بعضی مواقع حالت تسبب بدتر از مباشرت و مجرم متسبب مجرمتر و گناهکار تر از مجرم مباشر شناخته میشود و مجرم متسبب عامل حقیقی قتل و مستحق مجازات اصلی قلمداد میگردد. مانند اینکه شخصی بر علیه شخصی دیگر در محکمه شهادت دروغ میدهد که باعث اعدام وی میگردد. درین صورت قاتل مباشر یا افراد و عملیه که حلقه دار را برگردن شخص محکوم میاویزند، هیچ مسؤلیتی بحیث قاتل مباشر در پیشگاه قانون و در روز آخرت ندارند، زیرا اولاً ایشان به حکم وظیفوی و ثانیاً بر اساس شهادت شخص دیگر که منجر به اعدام مقتول شده است، عمل قتل را انجام داده اند. بناً حالات تسبب هم درجات و مراتب خلیها مغلط و حساس دارد که گاهی مسؤلیت و مجازات قاتلین متسبب بدتر از مجرم اصلی و قاتل مباشر میباشد. پس بادر نظر داشت مطالب فوق که یک بحث بسیار ساده فقهی و حقوقی است، قضاوت منصفانه ما در خصوص کشتار های دسته جمعی مردم ملکی افغانستان بر اینست که اساساً آمریکاییان با داشتن سند رسمی که حاوی امضای شخص اول مملکت دران است و این سند از انجاییکه جناب رییس جمهور شخصاً در پای آن خوانده یا ناخوانده به همه ماده های بلا قید و شرط آن ابراز موافقت نموده امضا کرده اند، در اصل حیثیت مجوز شرعی را برای قوتهای خارجی در افغانستان فراهم کرده اند که آنها با این دستاویز عملیات خود را بیباکانه ترتیب اثر میدهند و سلاحهای خود را آزمایش نموده بالای مردم بیگناه افغانستان تجربه میکنند. ازینرو اعمار زندان های شخصی، تلاشی های خودسرانه خانه های مردم، کشتار مردم بیگناه از زمین و هوا آنهم بدون تحقیق و تدقیق و سایر مظالم که از حوصله این مقال بیرون است، همه و همه از مفاد همین عقدنامه ننگین است که در صفحات جنوب کشور بالای هموطنان بیدفاع ما تطبیق میشود. ( چنانچه چندی پیش یکتن از قهرمانان ورزشکار افغان را بنام "رحمت ولی" هنگام تلاشیهای خانه به خانه درخوست با همه اعضای خانواده اش یکجا ظالمانه کشتند) بدبختانه که رییس جمهور آقای کرزی در همه این قضایا چه از نگاه عرف و چه از نگاه حقوق بحیث قاتل متسبب شناخته میشود که از نگاه حقوق هیچکسی نمیتواند شکی در مجرمیت ایشان وارد نموده تردید نماید.

#### قاتلین متسبب درجه دو:

وجود قوتهای بین المللی بخصوص ناتو در افغانستان از نگاه استقامت های وظیفوی در ساختار حکومت مربوط دو وزارت مهم کشور نیز میشود و ما نباید بود و نبود این دو وزارت مهم را در ایجاد تنشهای کنونی از چشم دور نگاه داریم:

**1 وزارت خارجه:** نخست افغانستان بحیث یک مملکت دارای دولت مستقل از حقوق مساوی بین الدول برخوردار بوده که امضای هرگونه قرارداد و موافقتنامه در سطح کشورها با دولت این مملکت باید از مجراهای قانونی و بارعایت موازین پذیرفته شده بین المللی صورت گیرد، که تنظیم همه این امور از مجاری اصلی آن در قدم اول به عهده وزارت خارجه کشور است. متأسفانه وزیر صاحب خارجه کشور آقای سپینتا با وصف ادعای استادی در علم حقوق هیچگاه حقوق کشور خود را در مقیاس جهانی مورد مطالعه قرار نداده اند تا بدانند که وجود قوتهای خارجی در خاک افغانستان از نگاه حقوق بین الدول دارای چه شرایط و چقدر قانونمند است؟ من به مشکل میتوانم بپذیرم که که ایشان در طول مدت وظیفه شان درین سمت حتی یک ورق سند رسمی خصوصاً قرارداد بحران آفرین "استراتژی مشترک فی مابین افغانستان و آمریکا" را مطالعه کرده باشند تا بفهمند درین کشور چه خبر است. زیرا اگر ایشان کم از کم یکبار خود را زحمت داده موافقتنامه مذکور را مطالعه میکردند، حتماً متوجه این ماده خطرناک به مفهوم "آزادی مطلق آمریکاییان در افغانستان" میشدند که باین ترتیب همچو ماده های بیرحمانه آن قبلاً مورد تعدیل و اصلاح قرار میگرفت. پس حالا سؤال اساسی اینجاست که آیا جناب شان واقعاً تا هنوز این قرارداد مشترک را مطالعه نکرده اند یا چطور؟ اگر مطالعه کرده اند، چرا تا حالا مَهر سکوت بر لب زده و این ماده خون آشام را بحال خود باقی گذاشتند. زیرا درینصورت برایشان به حکم مسؤلیت لازم بود تا پس از متوجه شدن به این ماده ظالمانه موضوع را غرض اصلاح و تعدیل با مقامات ذیصلاح داخلی چون قوه مقننه و مقامات خارجی از مجاری دیپلماتیک حل و فصل مینمودند. و اما اگر نخوانده اند که عذر بدتر از گناه و باید ازین بابت در پیشگاه مردم پاسخگو باشند.

**2 وزارت دفاع:** از انجاییکه قوت‌های نظامی ائتلاف به رهبری آمریکا ظاهراً خاص به هدف جنگ به افغانستان آمده اند، رخ دیگر این قضیه درست متوجه وزارت دفاع کشور ماست. ولی بدبختانه چنانچه میبینیم مسئولین طراز اول وزارت دفاع بعنوان ریزه خوار و پسمانده نوش خوان نعمت نیروهای ائتلاف هیچگاه این جرأت را بخود نداده اند که لا اقل یکبار این سؤال را در برابر ایشان مطرح نمایند که مگر چرا دولت افغانستان با اینکه در معرض خطر تهاجم همسایگان قرار دارد، خود مسقلاً خلبان نداشته و همیشه متکی به نیروهای هوایی خارجی‌ها باشد. در اصل از نگاه تقسیم وظایف میان بخش‌های مختلف ساختار حکومتی اساساً در عرصه نظامی همه قراردادها و موافقتنامه‌های جنگی مربوط همین وزارت حقیر و فقیر میشود که باید باشکوهی خارجی‌ها را در خصوص همه شیوه‌ها و راهکارهای جنگی علیه تروریسم در افغانستان از قبل به تفاهم میرسیدند ولی متأسفانه که امروز واقعیت امر را در ارتباط این وزارت همه مردم جهان پس واقعه هشت ثور و فرار خنده آور منسوبین این وزارت که کلاه‌های خود را در صحنه فراموش کرده و همدیگر را صدا میزدند که کلاه را چه میکنی جانته بکش، بخوبی میدانند.

پس انصافاً مسئولین دو وزارت یادشده نیز هر یک پس از آقای رییس جمهور "حامد کرزی" بالنوبه بر اساس راستاهای و وظیفوی شان و بدلیل غفلت و بی کفایتی در پیشبرد و وظایف محوله خویش مرتکب جنایت نابخشودنی تاریخی شده و از بابت بی کفایتی و بی تفاوتی شان در همچو شرایط حساس جداً قابل محاسبه استند و از نگاه حقوق هم بحیث قاتلین متسبب درجه دوم مردم بیگناه ما محسوب میشوند.

رو بهمرفته تقاضاهای مصرانه هر سه جناح یاد شده: حامد کرزی با جمع سخنگویان ارگ ریاست جمهوری، مقامات وزارت دفاع و وزارت خارجه درین اواخر برای تجدید قرارداد با آمریکاییان مبین این حقیقت است که ایشان تازه به اشتباهات خود پی برده اند و گویا ایشان خود معترف استند که وجود نیروهای ائتلاف تا هنوز که هنوز است از هیچ قانونیتی در افغانستان برخوردار نبوده بلکه تا حد زیادی شکل تجاوز و تعدی را داشته است.

این بانگ بسیار ناوقت مسئولین دولتی و شوریدن ایشان بر علیه این موافقتنامه ننگین که در سابق خود آنرا به تصویب رسانده و تا فعلاً هم نافذ است، درست نمایانگر واضح سطح دانش و لیاقت دولتمردان فعلی کشور ماست که زیر نام شایسته سالاری بر آریکه‌های قدرت تکیه زده اند ولی متأسفانه که هدف و معنای اصلی آنچه را هر بار امضا میکنند، پس از قربانیهای بی‌شمار مردم بیگناه تازه درک میکنند و معانی آنرا میفهمند که هدف از آزادی عمل نیروهای بیگانه در یک کشور مستقل آنهم بی هیچ قید و شرطی یعنی چی.

قابل یاد آور نیست که تخلفات و تخطی‌های غیر قانونی بوسیله نیروهای خارجی در افغانستان در شرایطی صورت میگیرد که امروز در داخل ارگ ریاست جمهوری و سایر وزارتخانه‌های دستگاه حکومت فعلی به اصطلاح عوام زیر هر سنگ ده‌ها مشاور حقوقی و سیاسی و کارشناس لمیده و خانه کرده و ایشان تنها با یک سر جنبانند، چه تأیید و چه هم انکار، از امتیاز معاشات ده هزار تا پنجاه هزار دالر برخوردار استند ولی متأسفانه که هم رییس جمهور و هم مشاورین حقوقی و سیاسی اش تنها در لابلای حوادث خونبار و فاجعه آفرین نظامی است که تعریف و تفسیر واژه‌ها و مصطلحات بسیار ساده بی مثل "آزادی عمل قشون بیگانه ولو دوست" را در کشور خود درک میکنند و پس از آن عقل بسر شان آمده دوباره تصمیم میگیرند.

پس پناه‌ء ما بر خدا و السلام.